



## اتخاذ مدلی چهاربعدی در عملیات‌های نیروی دریایی سپاه پاسداران تاریخ شفاهی سردار دکتر حسین علایی

مهدی خداوردی\*

<p>جنگ تحمیلی طولانی مدت عراق علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، با وجود خسارت‌های فراوان و لطماتی که به کشور وارد کرد گنجی ارزشمند به ارمغان گذاشت. کسانی که توان مشارکت در این جنگ را داشتند یا بعدها به فراخور نیاز به آن رجوع کردند، بهره‌های معنوی و مادی بسیاری از آن گرفته و با به‌کارگیری آموزه‌هایش در امور شخصی، اجتماعی، سازمانی و حتی در سطوح ملی، موفقیت‌هایی کسب کردند. گنجی که از جمله شاخصه‌هایش خودباوری، خودتکایی، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی بود. مطالعه و تحقیق در این حوزه و گفت‌وگو با رزمندگان آن دوران جلوه‌های نهران این گنج را آشکارتر می‌کند. با عنایت به این نکته، به‌همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس گفت‌وگویی صمیمی با سردار سرتیپ پاسدار دکتر حسین علایی ترتیب داده شد تا با بیان ناگفته‌ها، زوایای پنهان این جنگ آشکار شود.</p> <p>حسین علایی سابقه مبارزه با رژیم منحط شاهنشاهی را دارد. با پیروزی انقلاب اسلامی، به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و به‌دلیل توانایی و بروز شایستگی‌ها در انجام وظایف محوله، به‌ویژه تدبیر و تلاش برای توسعه قابلیت‌های سازمانی و فرماندهی، به سمت اولین فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. آنچه در ادامه مطالعه خواهید کرد حاصل جلسه چهل و چهارم پروژه تاریخ شفاهی ایشان است. بنا بود در این جلسه، درباره عملیات کربلای ۳ گفت‌وگو شود، اما با توجه به اینکه سردار علایی در زمان فرماندهی در نیروی دریایی از الگو و مدل چهاربعدی برای موفقیت در مأموریت‌شان بهره می‌بردند، ترجیحاً محور بحث بدین موضوع سوق پیدا کرد.</p> <p><b>واژگان کلیدی:</b> ساختار و سازمان، تجهیزات، انگیزه‌های الهی، طرح‌ریزی، قدرت فرماندهی، خلیج فارس، تهدیدهای امریکا.</p>	<p style="text-align: center;"><b>چکیده</b></p>
---	---

و توسعه نیروی دریایی سپاه استفاده کردید؟ همچنین آیا این مدل را در عملیات‌های دریایی، نظیر عملیات کربلای ۳ به‌کار گرفتید؟

### در نظر گرفتن مدل چهاربعدی برای موفقیت مأموریت‌های نیروی دریایی سپاه

دکتر حسین علایی: بسم الله الرحمن الرحیم. مدلی که برای موفقیت ارائه کردم چهار بعد داشت که سعی شد

**مهدی خداوردی:** گفت‌وگوی ما در چهل و چهارمین جلسه تاریخ شفاهی (مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۷) درباره عملیات کربلای ۳ از طرح‌ریزی تا آماده‌سازی و شرح آن است، اما پیش از این، شما در یکی از جلسات یک مدل چهاربعدی را برای موفقیت در کارها و عملیات‌ها ارائه کرده و درباره آن توضیح داده بودید که حاصل تجربه شما در عملیات‌های جنگ زمینی بود؟ لطفاً ضمن تشریح آن چهار مدل، بفرمایید آیا از آن مدل در ساختار

\* پژوهشگر دفاع مقدس و مجری تاریخ شفاهی دکتر حسین علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس

از این رو، مرکز منطقه شمال خلیج فارس برای نیروی دریایی سپاه ماهشهر انتخاب شد [که مأموریتش هم مقابله با حوادث شمال خلیج فارس بود، هم مقابله با اقدامات عراق در خور موسی]. اسم این منطقه، "منطقه سوم دریایی ماهشهر" گذاشته شد. منطقه عملیاتی دیگر ما جزیره خارک بود که عراقی‌ها از روز اول جنگ، علیه [تأسیسات نفتی] آنجا اقدام می‌کردند و هر چه از جنگ می‌گذشت حملات هوایی آنها به جزیره خارک توسعه بیشتری پیدا می‌کرد. حوزه عمل نیروی هوایی ارتش عراق از "بهرگان سر" که اطراف بوشهر است تا پایین بوشهر را شامل می‌شد. اسم این منطقه نیز "منطقه دوم دریایی" گذاشته شد که یکی از مأموریت‌های مهمش دفاع از جزیره خارک و تأسیسات نفتی آن و ایجاد امنیت برای صادرات نفت بود. همچنین نظر به اینکه سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران براساس این دیدگاه بود که "اگر خلیج فارس به روی صادرات نفتمان بسته شود، ایران نیز تنگه هرمز را می‌بندد، لذا منطقه یکم دریایی را در بندرعباس تشکیل دادیم. طبیعتاً اگر ایران می‌خواست تنگه هرمز را ببندد، یک برنامه‌ریزی اساسی احتیاج داشت. لذا هدف اصلی منطقه یکم را تأمین امنیت تنگه هرمز گذاشتیم. اما همه این مناطق غیر از مأموریت‌هایی که عرض کردم مأموریت‌های دیگری هم داشتند. از جمله اینکه ما در اطراف تنگه هرمز و در خلیج فارس جزایر فراوانی داریم. ایران در منطقه خلیج فارس ۱۷ جزیره مهم دارد که دفاع از این جزایر در صورتی که یک جنگ گسترده در خلیج فارس اتفاق می‌افتاد برعهده نیروی دریایی سپاه بود. حفظ تمامیت ارضی و دفاع از جزایر در هر منطقه‌ای، به همان منطقه دریایی واگذار شده بود. مثلاً دفاع از جزایر هرمز، لارک، قشم، کمی این طرف‌تر جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابو موسی به منطقه یکم دریایی سپاه واگذار شده بود. در منطقه دوم، دفاع از جزیره فارسی که نزدیک عربستان است و نیز پدافند از جزیره خارک به‌عهده منطقه دوم دریایی بوشهر بود. بنابراین، یک ساختار کلان براساس نیازی که در آن

تقریباً براساس آن در سازماندهی نیروی دریایی و ایجاد واحدهایی که در خلیج فارس بتوانند عملیات انجام دهند اقدام شود. البته این مدل را الان بنده به این صورت مطرح می‌کنم. آن زمان به‌صورت یک مدل در ذهن من نبود، بلکه به ابعاد آن به‌صورت جداگانه توجه داشتم و نیروی دریایی سپاه را براساس آن مدل سازماندهی کردم.

### الف) داشتن ساختار و سازمان مناسب

اولین موضوعی که در موفقیت بسیار مهم است، داشتن ساختار و سازمان درست هم در سطح کلان و هم در سطح واحدهای عملیاتی است. بنابراین، برای نیروی دریایی سپاه این ساختار را چنین تعریف کردم. گفتیم منطقه مأموریت و اهداف ما کجاست؟ این اهداف در خلیج فارس قرار داشت. سه هدف را روزهای اولی که نیروی دریایی [در شرف] تشکیل بود، تشخیص دادیم. شناسایی [دقیق جغرافیا و محیط منطقه عملیات که شامل] منطقه شمال خلیج فارس و به‌طور مشخص منطقه خور موسی بود. جایی که عراقی‌ها کشتی‌های تجاری ما را که می‌خواستند از آنجا عبور کنند و به سمت بندر امام [خمینی] بروند، هدف قرار می‌دادند. در واقع، اینجا منطقه‌ای بود که عراقی‌ها آن را تبدیل به منطقه عملیاتی کرده بودند. به همین دلیل، یکی از مناطق مأموریت ما در مقابل عراق همین منطقه بود. از سویی، عراق در نزدیکی‌های منطقه خور موسی، دو اسکله البکر و الامیه در شمال خلیج فارس را تدارک نظامی می‌کرد. اسکله‌هایی که قبل از جنگ از آنها نفت صادر می‌کرد و پس از جنگ، همین دو اسکله - که تبدیل به دو پایگاه نظامی شده بودند - هدف‌های خوبی هم برای ما بودند. نکته دیگر اینکه تنها مسیر ارتباطی عراق با دریا، اروندرود بود که همان روزهای اول جنگ بسته شد. مسیر دیگر برای تردد دریایی شناورهای عراقی خور عبدالله بود که از سمت کویت باز بود. پس در منطقه شمال خلیج فارس در ارتباط با جنگ عراق، سه هدف وجود داشت. ۱. خور موسی. ۲. اسکله‌های البکر و الامیه. ۳. خور عبدالله.

**سردار علایی:** بله، من ابتدا به شهرهای مختلف ساحلی و نیز به بنادر و جزایر خلیج فارس سفر کردم و این مناطق دریایی را رسماً اعلام کردم. بعد درباره ساختار و سازمان مناسب برای یک نیروی دریایی چالاک و چابک فکر کردم. از سوی دیگر، در سازماندهی عملیات، باید واحدهایی تشکیل می‌شدند که بتوانند در خلیج فارس عمل کنند و در آن زمان داشتن قدرت واکنش سریع و تحرک بسیار مهم بود. بنابراین، به این موضوع فکر کردم که در نیروی دریایی به سه ساختار متنوع نیاز

داریم؛ یکی ساختار شناورهای که بتوانند خودشان را به سرعت به واحدهای شناوری دشمن - عراق یا حامیان عراق - نزدیک کنند و بتوانند در صورت نیاز با آنها درگیر شوند. نتیجه این بررسی تشکیل "واحد شناورهای تندرو" شد. ساختار دیگر باید می‌توانست امنیت تنگه هرمز را برقرار کند. براین اساس، "یگان موشکی ساحل به دریا" سازماندهی و راه‌اندازی شد. علاوه بر این، درباره وضعیت نیروهای دریایی کشورهای مهم دنیا هم مطالعه‌ای انجام شد

و متوجه شدم که آنها از توپخانه ساحلی هم استفاده می‌کنند. اما برای ما به‌کارگیری حجم آتش انبوه روی شناورهای تندرو اهمیت داشت. بنابراین، قبضه توپ باید روی شناورها قرار می‌گرفت و برای کنترل قبضه‌ها به سیستم [امکانات] *stablazer* نیاز بود. از همین رو، در هر شناور یک نوع سیستم کنترل و سیستم راداری احتیاج بود تا بتواند اثر امواج دریا را روی نشانه روی توپ‌ها کاهش دهد و این امکانات گران بودند و ما در وضعیت جنگ [و به دلیل تحریم] از بازار کشورهای دارای این فناوری نمی‌توانستیم آنها را خریداری کنیم. بنابراین

زمان وجود داشت، ایجاد شد. سازماندهی این مناطق هم برحسب نیاز هر منطقه شکل گرفته بود. نوع شناورهای تخصصی یافته به آنها نیز براساس مأموریت‌هایشان بود. **خداوردی:** در تقسیم‌بندی مناطق دریایی، فرماندهان مناطق چه کسانی بودند؟

**سردار علایی:** در منطقه ۳، آقای حبیب آقاجاری که الآن نماینده مجلس شورای اسلامی است، در منطقه ۲، آقای فتح‌الله محمدی و در منطقه ۱ آقای هاشم ستوده بودند. **خداوردی:** اینها از نیروها قدیمی بودند و از همان زمان که یگان دریایی شکل گرفت، فعال بودند؟

**سردار علایی:** بله. من به نکته‌ای که توجه داشتم این بود که تا حد امکان افراد را از جایی [به جای دیگر] نمی‌بردم تا در منطقه دیگر از آنها استفاده کنم. در واقع به توانمندی‌ها و ظرفیت آن منطقه نگاه می‌کردم، مناسب‌ترین فرد را برای هر مسئولیتی انتخاب می‌کردم. مثلاً در منطقه ماهشهر، آقای حبیب آقاجاری تقریباً قدیمی‌ترین فرد آشنا به مسائل دریا بود و خودش ملوان بود، لذا او را فرمانده منطقه گذاشتم. افرادی مانند آقای تنگسیری هم که اکنون جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه است، در آن زمان یکی از مسئولان منطقه سوم دریایی بود. در بوشهر، با بچه‌های بوشهر مشورت کردم، خودشان گفتند آقای فتح‌الله محمدی مناسب است و من هم ایشان را فرمانده [آنجا] گذاشتم. این درحالی بود که از قبل، آقای محمدی را زیاد نمی‌شناختم. در منطقه بندرعباس هم به همین صورت عمل شد. چون آنجا بیشتر بچه‌های استان فارس و شیراز بودند، بررسی کردیم دیدیم آقای هاشم ستوده آشنایی بیشتر با مسائل دریا و خلیج فارس دارد، لذا او را انتخاب کردم. بنابراین، این‌طور نبود که فرمانده را از دوستان، رفقا، آشنایان خودمان یا کسانی که از قبل می‌شناختم بیاورم و به‌عنوان فرمانده منطقه انتخاب کنم، بلکه هر کس در آن دوره زمانی دارای شایستگی‌های لازم بود انتخاب می‌شد.

**خداوردی:** این تدبیر در ستاد نیروی دریایی سپاه انجام شد؟

#### سردار علایی:

اولین موضوعی که در موفقیت (نیروی دریایی سپاه) بسیار مهم است، داشتن ساختار و سازمان درست هم در سطح کلان و هم در سطح واحدهای عملیاتی است.



جلسه تاریخ شفاهی دکتر حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح در دوران دفاع مقدس

دریایی ارتش [جمهوری اسلامی ایران] در بعضی از شناورهایش موشک هارپون دارد. البته بسیار محدود، شاید ۱۰ عدد. توپ‌های ۷۶ میلی‌متری داشت که هدف را از فاصله هشت کیلومتری مستقیم می‌زد. اما این توپ‌ها برای مقابله به‌مثل علیه نفتکش‌ها چندان مؤثر نبود؛ یعنی حتی اگر [شلیک می‌شد و به هدف] می‌زد، نفتکش موردنظر آسیب جدی نمی‌دید و اتفاق چندانی نمی‌افتاد. سایر اسلحه‌هایی هم که روی ناوها [ی جنگی] بود بررسی شد. آنها امکاناتی داشتند که اغلب ضد ناو بود. درحالی‌که جنگی که عراقی‌ها راه انداخته بودند علیه کشتی‌های بازرگانی و نفتکش‌ها و علیه تأسیسات نفتی ایران بود. به‌عبارتی، ناوهای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای اینکه بتوانند مقابل اهداف موجود عملیات گسترده‌ای انجام دهند تقریباً ظرفیت لازم را نداشتند. بالگردهای هوا دریا هم بررسی شد. این بالگردها اغلب بدون سلاح جنگی مؤثرند و برخی از آنها هم به بعضی از موشک‌ها مثل موشک استاندارد، مجهز شده بودند که حتی اگر به ناو [هدف] موردنظر اصابت می‌کردند، قدرت تخریب زیادی نداشتند. یعنی اگر به یک کشتی تجاری هم برخورد می‌کردند، آن کشتی

از مینی کاتیوشا روی قایق‌های تندرو استفاده کردیم. البته، به آن اکتفا نکردیم و به‌دنبال توپخانه ساحلی هم رفتیم. یک نوع سیستمی [توپخانه‌ای] وجود دارد که از ساحل می‌تواند اهداف دریایی را بزند - که البته در این سیستم هم باید از توپ دریایی استفاده شود - و ما فکر کردیم می‌توانیم از توپ‌های زمینی علیه اهداف دریایی استفاده کنیم. بنابراین، واحد توپخانه‌ای به نام "یونس" راه‌اندازی کردیم که ساختار و سازماندهی آن براساس توپ‌های ساحل به دریا بود. آقای غلامعلی سپهری هم به فرماندهی آن انتخاب شد. درمجموع، این سه ساختار یا سه نوع سازماندهی را برای فعال‌شدن در دریا ایجاد کردیم که از ابعاد مختلف موفقیت‌آمیز و کارساز بود.

### (ب) تجهیزات

بعد دوم، نیاز به تجهیزات مناسب و کارآمد است؛ به این معنا که هر تشکیلات و سازمانی در هر وضعیتی از سلاح و مهماتی که قابلیت و کارایی بیشتری دارد باید بهره‌برداری بهینه کند، زیرا بعضی اسلحه‌ها و مهمات قابلیت بهره‌برداری مؤثر در دریا را ندارند. با بررسی‌هایی که انجام دادم متوجه شدم نیروی

سلاحی نصب می شد که مؤثر واقع می گردید. بهترین سلاح مینی کاتیوشای آتش زا بود، زیرا به کارگیری آن آسان و بسیار مؤثر بود. وقتی گلوله های آن به کشتی [هدف] برخورد می کرد آتش می زد و اگر نفتکش بود باعث آتش سوزی کشتی می شد. البته شناورهای ما فقط قایق های تندرو نبود؛ ما انواع شناورها را به کار گرفتیم. حتی ما شناورهای لنج را نیز که برای ماهیگیری یا برای حمل کالا به کار می رفت، برای مقابله با ارتش عراق به کار گرفتیم و از این شناورهای بزرگ برای شناسایی تحرکات دریایی دشمن استفاده می کردیم.

سلاح دیگری که از قبل درباره آن فکر کرده بودیم "مین دریایی" بود. با تلاش و پیگیری هایی که انجام شد، موفق شدیم "مین دریایی" را در صنایع دفاع بسازیم. بنابراین، مشکل سلاحمان هم به این صورت حل شد و ما هیچ سلاحی را برای شناورها، از خارج از کشور نخریدیم و [البته] امکان خرید آنها هم نبود. بنابراین، ساختار تجهیزاتی این گونه سامان یافت.

**خداوردی:** یعنی فقط چهار نوع تجهیزات داشتید: مین دریایی، مینی کاتیوشای آتش زا، موشک ساحل به دریا و توپخانه؟

**سردار علایی:** بله. البته خود شناور را هم به آن اضافه کنید، زیرا نیروی دریایی با شناور معنا پیدا می کند. یعنی شناورهایی که استفاده می کردیم سرعتشان نسبت به ناوهای امریکایی تا دو برابر بود.

**خداوردی:** این شناورهای تندرو - به خصوص شناورهای گلف - را قبل از تشکیل و شکل گیری نیروی دریایی به دست آورده بودید؟

**سردار علایی:** نه. این نوع شناورهای تندرو بعد از تشکیل نیروی دریایی سپاه [به طور رسمی] به تجهیزات نیرو اضافه شد. قبل از آن، شناورهایی داشتیم که قابلیت عملیاتی بالایی نداشتند. ما شناورهایی می خواستیم که دو ویژگی داشته باشند: ۱. سرعت زیادی داشته باشند. ۲. کوچک باشند که به راحتی در رصد رادارها و مورد هدف سلاح های دشمن قرار نگیرند و اگر با ناو امریکایی یا ناو

می توانست به راهش ادامه دهد، زیرا آسیب چندانی نمی دید. قدرت و توان نیروی هوایی نیز در زمان اجرای عملیات مقابله به مثل، بررسی شد. بررسی ها نشان داد که نیروی هوایی هم از موشک هایی مثل موشک ماوریک یا موشک استاندارد استفاده می کند که اینها هم اگر به هدف اصابت می کردند چندان مؤثر واقع نمی شدند. درحالی که عراقی ها از موشک "گروسه" ساخت فرانسه که مخصوص حمله به کشتی ها بود و موشک های ساحل به دریای کرم ابریشم و نیز از بمب های لیزری استفاده می کردند که دقت و قدرت تخریبشان زیاد بود و هر وقت حمله می کردند ما با مشکلات بسیاری مواجه می شدیم. این موضوعات که بررسی شد به این نتیجه رسیدیم که یکی از مسائل مهممان [بهره مند شدن از] شناورهایی است که بتوانند در دریا و در امواج و فورس های مختلف حرکت کنند و خود را نزدیک جایی که باید عملیات انجام دهند برسانند. موضوع بعدی سلاح مناسب بود. یعنی هنگامی که [قایق] به هدف نزدیک شد، با چه سلاحی هدف خود را بزند؟ آر.پی.جی. ۷ را امتحان کردیم، دیدیم مثل سنگی است که به سوی یک تانک پرتاب شود یا سنگی که به دیوار بخورد، روی کشتی های بزرگ اثر چندانی ندارد. توپ ۲۳ میلی متری و پس از آن مینی کاتیوشا را آزمایش کردیم؛ آنها هم اثر لازم را نداشتند. البته اثر روانی داشتند، ولی اثر [تخریبی نداشتند] و اینکه بتوانند تعیین کننده باشند و پاسخ مناسبی به اقدامات عراق بدهند، این گونه نبودند. سپس به تدریج و آرام آرام متوجه شدیم که قایق های مورد نیازمان قایقی به نام "گلف" است که قاچاقچیان با استفاده از آنها کالاهایی را از بنادر کشورهای جنوب خلیج فارس به ایران حمل می کردند. ما [به عنوان نیروی دریایی سپاه] به دنبال تأمین این قایق ها - که با موتورهای یاماها یا جانسون ژاپنی که سرعت خوبی هم داشتند - رفتیم و [چند فروند] تهیه کردیم و تعدادی از قاچاقچی های غیرقانونی را نیز از طریق دادستانی در اختیار گرفتیم. پس از آن، باید روی این شناورها [گلف] با حجم کوچک و سرعت بالا

خودشان متضرر می‌شدند، چون قیمت موشک آنها بیش از صد برابر قیمت قایق ما بود. یعنی ما در وضعیتی خاص و با امکاناتی وارد مقابله در جنگ نفتکش‌ها شده بودیم که آنها سیستم‌های کافی برای مقابله با ما را نداشتند. حتی کارشان به جایی رسید که روی ناوها، کیسه شنی چیدند و سنگر درست کردند و داخل آنها سلاح‌هایی نظیر کالیبر ۵۰ تعبیه کردند و بدین طریق به سمت قایق‌های ما شلیک می‌کردند. نکته مهم اینکه سیاست ما درگیر شدن با ناوهای غیرعراقی نبود، بلکه تدبیر و تاکتیک ما مقابله به مثل بود. ما می‌خواستیم عراقی‌ها کشتی‌های ما را نزنند و چون عراقی‌ها [حمله به کشتی‌ها را] ادامه می‌دادند ما نمی‌توانستیم با پدافند هوایی یا عملیات دریایی جلو زدن آنها را بگیریم. مسئولان کشور به این نتیجه رسیدند که باید کشتی‌های طرفداران عراق یا کشتی‌های کشورهایی که نفت خود را به نفع عراق می‌فروختند زده شود تا به آنها فشار وارد شود و به عراق بگویند که کشتی‌ها و نفتکش‌های حامل نفت ایران را نزنند.

بدین ترتیب، ساختار و سازماندهی نیروی دریایی سپاه براساس نیازها و ضرورت‌های آن دوران شکل گرفت. در دریا دو سامانه بسیار مهم است که هر شناوری باید آنها را داشته باشد؛ یکی رادار برای دیدن و دیگری بی‌سیم برای شنیدن و ارتباط است. ما بی‌سیم‌هایی را که مرتب مورد شنود قرار می‌گرفت بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که به جای خرید بی‌سیم نظامی که روی برخی شناورهایمان نصب است، بی‌سیم‌های تجاری دریایی خریداری کنیم و روی همه شناورهایی که عملیاتی هستند، نصب کنیم. بنابراین، بی‌سیم‌های "راکال" خریدیم و آن را روی فرمانس عمومی که همه کشتی‌های تجاری دارند، تنظیم کردیم. یک اقدام تاکتیکی هم انجام دادیم بدین ترتیب که نوع صحبتمان را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کردیم که به ظاهر عادی تلقی شود، ولی افراد خودمان [که با رمز و رموز آن آشنا بودند] بفهمند که چه کار باید کنند، و از سوی دیگر، کشتی‌های

عراقی درگیر شدند، آنها قادر نباشند به سادگی قایق‌های ما را هدف قرار دهند، زیرا هرچه سطح مقطع شناور کوچک‌تر باشد امکان هدف قرار دادن آن سخت‌تر می‌شود.

اتفاقاً علت اینکه امریکایی‌ها نمی‌توانستند [با قایق‌های تندرو] مقابله کنند این بود که سیستم‌های ما بسیار ابتدایی بود. اگر امکانات ما مدرن‌تر بود؛ یعنی امکانات راداری و الکترونیکی برای هدایت داشتند، آنها فوراً رصدش می‌کردند، جاییش را تشخیص می‌دادند و آن را می‌زدند.

**خداوردی:** آیا استفاده از تسلیحات نامتقارن در اینجا موضوعیت دارد؟

**سردار علایی:** ببینید، جنگ ما نامتقارن بود. تجهیزاتمان ناهم‌تراز بود. یعنی ما با آنها [امریکایی‌ها] از نظر امکانات و توان قابل قیاس نبودیم. آنها انواع ناوها، بالگردها، هواپیماها، رادارهای نظامی و شنودهای گسترده داشتند، در مقابل، ما در نیروی دریایی هیچ‌کدام آنها را نداشتیم. آنها از ماهواره برای تکمیل اطلاعات خود استفاده می‌کردند؛ از سوی، ما نیز به توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی رسیدیم که آنها به راحتی قادر به مقابله با آن نبودند.

**خداوردی:** آیا نوع مین‌های ما با آنها تفاوت داشت؟  
**سردار علایی:** بله. آنها تجهیزاتشان برای ردیابی مین‌های دریایی پیشرفته بود. اما ما [بیشتر] از مینی‌کاتیوشا برای زدن کشتی‌ها استفاده می‌کردیم. قایق‌های تندرو ما تا پنج کیلومتری و گاهی تا ۲ و ۳ کیلومتری به هدف نزدیک می‌شدند و آنها برای مقابله با ما باید موشکی را که از نوع بالستیکی بود پرتاب می‌کردند. حتی اگر موشک هارپون هم به سمت قایق‌های سپاه شلیک می‌کردند، [عملاً]

**شناورهای تندرو بایستی دو ویژگی می‌داشتند**

۱. سرعت زیادی داشته باشند.
۲. کوچک باشند که به راحتی در رصد رادارها و مورد هدف سلاح‌های دشمن قرار نگیرند.

مأموران خرید نیروی دریایی سپاه مدرن‌ترین رادارهای تجاری را از آلمان خریداری کردند. رادارهای ۴۸ مایل را برای قایق‌ها و ۹۶ مایل را برای نصب در پایگاه‌هایی که در ساحل داشتیم استفاده کردیم. آن زمان آلمان‌ها حساس نبودند و این نوع تجهیزات را به ایران می‌فروختند. وقتی آنها را نصب کردیم، کارکرد رادارهای نیروی دریایی سپاه نسبت به آنچه نیروی دریایی ارتش داشت - و قدیمی بود و کارکردن با آنها مشکل بود - قوی‌تر شد. رادارهای ما [دیجیتال و] دارای یک صفحه کامپیوتری بود که همه

اطلاعات درمورد کشتی‌های در حال تردد از لحاظ مکانی که در آن به سر می‌برند و سرعشان را نشان می‌داد. بنابراین، یک نیروی معمولی هم زمانی که به این رادار نگاه می‌کرد، اطلاعات مورد نیازش را می‌توانست مشاهده کند.

### ج) بر خورداری از نیروهای بانگیزه

سومین عامل مهم در موفقیت‌های نیروی دریایی سپاه برخورداری از نیروهای بانگیزه، داوطلب، شجاع و نترس بود.

همه افرادی که برای واحد عملیات انتخاب می‌کردیم، افراد بسیار بانگیزه، علاقه‌مند و کارآزموده بودند که هنگام حضور در دریا، احساس نگرانی نمی‌کردند. افرادی که عضو سپاه بودند، انسان‌هایی حزب‌اللهی، اغلب بومی، پراکنجه، نترس و علاقه‌مند به فعالیت‌های دریایی بودند. در نیروی دریایی سپاه افراد با "عضویت بسیج" مثل آنچه در نیروی زمینی فعالیت می‌کردند، زیاد وجود نداشت، زیرا در دریا نیروی محدودی نیاز داشتیم و نیروی بسیار، مورد نیاز نبود. در نتیجه، این نیروها باید آموزش دیده، ورزیده، ماهر و کارکرده و باتجربه می‌بودند. کسی که در

دیگری که در خلیج فارس در تردد بودند وقتی به مکالمات ما گوش می‌دهند [یا شنود] می‌کنند، متوجه نشوند که منظور ما چیست؟

**خداوردی:** به عبارتی، تیم‌های اطلاعاتی یا عملیاتی زمان مأموریت از گویش غیر معمول استفاده می‌کردند؟

**سردار علایی:** نه، گویش عادی، معمولی، و به همان زبان آشکار صحبت می‌کردند. یعنی مکالمات با کد و رمزهای مخصوص نبود. مثلاً ما می‌گفتیم: "رفتی یا رسیدی" و یا وقتی می‌خواستیم وضعیت نیرو را بسنجیم، می‌گفتیم: حالت خوب است؟ می‌گفت: بله، پس معلوم می‌شد که سالم است. یا می‌گفت: من پنج مایلی آنجا هستم. حالا نام آنجایی که مستقر بود را نمی‌گفت، ولی ما می‌فهمیدیم پنج مایلی یعنی کجا. البته افرادی که آنجا بودند، بومی حرف می‌زدند، چون ساکن بوشهر یا ماهشهر یا شهرهای استان هرمزگان بودند. و البته گاهی هم پیش می‌آمد که با گویش زرگری صحبت می‌کردیم. مثل زمان اجرای عملیات کربلای ۳ - که روی دو اسکله البکر و الامیه انجام پذیرفت - فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup> از این گویش استفاده می‌کردند.

**خداوردی:** این تدابیری که به آن اشاره کردید، همیشه هنگام انجام دادن مأموریت یا عملیات‌ها انجام می‌شد؟

**سردار علایی:** نه همیشه. در اوایل تشکیل نیروی دریایی سپاه، شناورهای ما از بی‌سیم پی.آر.سی ۷۷ استفاده می‌کردند. آنها را حتی ضدآب کرده بودند. انواع دیگری از بی‌سیم‌ها را نیز آزمایش کردیم، ولی بی‌فایده بود و در دریا کارایی نداشت تا اینکه بی‌سیم تجاری را کال خریدیم. نیروهای عملیاتی را توجیه کرده بودیم که در بی‌سیم زیاد حرف نزنند و فقط در حدی ارتباط برقرار کنند که ما از وضعیت آنها مطلع شویم. موضوع بعدی رادار بود که از طریق آن هر شناور بتواند اهداف مختلف را تشخیص بدهد و هم به شناور کمک کند تا خودش را به مقاصدی که می‌خواهد تردد کند، برساند. بنابراین، در بین انواع رادارها، از رادار تجاری استفاده کردیم که همه کشتی‌های تجاری از آن استفاده می‌کردند. از این رو،

سومین عامل مهم در موفقیت‌های نیروی دریایی سپاه برخورداری از نیروهای بانگیزه، داوطلب، شجاع و نترس بود

خدا می‌آمدند و نه برای این چیزها [پاداش]. همیشه وقتی با این بچه‌ها به دریا می‌رفتم، به یاد این حدیث می‌افتادم که: "شهادای دریا ارزششان یا اجرشان دو برابر شهادایی است که در زمین به شهادت می‌رسند".

اغلب رزمندگانسی که در اختیار داشتیم داوطلب بودند. مثلاً یکی از نیروهای بوشهر به نام آقای مهدوی که چندی بعد در حمله امریکایی‌ها به قایقش شهید شد، چنین حالات و روحیاتی داشت. ایشان در منطقه بوشهر مسئول بازرسی بود، ولی اظهار علاقه کرد که به واحد عملیات برود، درحالی که در ستاد مسئولیت مناسب و خوبی داشت. این وضعیت عمومی و روحیه افرادی بود که در زمان جنگ در نیروی دریایی سپاه فعالیت می‌کردند، افراد باانگیزه‌ای که حضورشان بسیار قدرت‌آفرین بود. در آن زمان کسی درجه [نظامی] نداشت، همه با هم برادر بودند. کسی هم در انتظار یا فکر اینکه در آینده بخواهد درجه‌ای یا رتبه‌ای بگیرد، نبود. لذا این نوع انگیزه‌های مادی وجود نداشت. ضمن آنکه حقوق ماهیانه افراد، تفاوت‌های معنی‌دار زیادی باهم نداشت. این‌طور نبود که اگر کسی فلان مسئولیت را داشته باشد حقوقش خیلی اضافه شود و اگر مسئول نبود، حقوقش خیلی پایین باشد. فقط انگیزه‌های الهی بود که روحیه لازم را برای دفاع در برابر دشمن متجاوز فراهم کرده بود. بدین ترتیب، ضلع سوم موفقیت، داشتن افراد و نیروهای پرانگیزه، بامهارت، ورزیده و آماده به کار برای اجرای عملیات بود.

**خداوردی:** فرسایش جنگ در روحیه نیروها و انگیزه آنها تأثیر نمی‌گذاشت؟

**سردار علایی:** چرا، گاهی تأثیر منفی می‌گذاشت، ولی در کل جنگ، اثر [معکوس] نداشت. چون امام دائم صحبت‌هایی که می‌کردند این [انگیزه روحی] را ترمیم می‌کرد. این [مضمون کلام امام] که "همه برای تکلیف می‌جنگیم و نه برای نتیجه"؛ این را در طول دوره جنگ، در بیشتر رزمندگان می‌دیدیم و احساسش می‌کردیم. نتیجه برای ما به این معنی بود که تکلیف ما

یک قایق تندرو سکاندار یا خدمه سلاح بود، باید کاملاً مهارت و تخصص داشت. مثلاً خدمه مینی کاتوشاها به دلیل اینکه قایق فاقد استپی لیزر بود و پایه کنترل نداشت، باید آن‌قدر بامهارت بود که می‌توانست از آن سلاح استفاده کند و حین حرکت قایق تیراندازی کند.

در هیچ شناور اعزامی برای عملیات فرد کم‌انگیزه یا با روحیه کم وجود نداشت. ساختار و سازمان مناطق سه‌گانه نیروی دریایی به‌گونه‌ای بود که افراد باانگیزه و علاقه‌مند را که تمایل داشتند به خلیج فارس رفته، در شرایط سخت عملیات انجام دهند، جذب می‌کرد و اجباری هم در کار نبود.

**خداوردی:** آیا برای این قشر از نیروها، امتیازات ویژه‌ای از لحاظ حقوق یا پاداش مأموریت‌های جنگی در نظر داشتند؟

**سردار علایی:** نه. تقریباً هیچ چیز. اتفاقاً یکی از اشکالاتمان در آن زمان این بود که به این موضوعات توجه چندانی نداشتیم. [البته] شاید این هم [ندادن امتیاز] یکی از حُسن‌ها بود، زیرا افراد در آن زمان با خدا معامله می‌کردند. اما ما به پاسداران اعلام کرده بودیم که هر کس می‌تواند بیاید اینجا عمل کند، بیاید و هر کس دوست ندارد، اجباری در کار نبود. لذا افرادی پرانگیزه و باعلاقه برای کار آمده بودند و ما از نظر ارزشی و رفتاری به این رزمندگان اهمیت می‌دادیم. مثلاً هر وقت که برای بازدید یا برگزاری جلسه به منطقه‌ای می‌رفتیم، از این افراد و نیروها تجلیل کرده و آنان را تشویق می‌کردیم. همچنین در مراسم‌های صبحگاهی یا در جلسات ستادی، دائم از این نیروهای عملیاتی تعریف و تمجید می‌کردیم. این کار از لحاظ روانی اثر بسیاری داشت. لیکن این‌طور نبود که این موضوع را به سیستمی تبدیل کنیم که از نظر مالی تأثیرگذار باشد، البته گاهی اوقات پس از اجرای عملیات‌های مهم هدیه هم می‌دادیم. به بعضی‌ها حتی سکه [طلا] هم می‌دادیم، ولی بسیار محدود بود و به‌صورت یک روال سازمان‌یافته مشخص نبود. بالاین حال، افرادی که برای عملیات می‌آمدند برای





جلسه تاریخ شفاهی دکتر حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح در دوران دفاع مقدس.

به آب پرتاب شوید، بارقه‌ای از امید وجود دارد و اینها تفاوت‌هاست.

### (د) طرح‌ریزی و قدرت فرماندهی

اما بعد چهارم که برای موفقیت سازمان دریایی سپاه بسیار اهمیت داشت، برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی و فرماندهی بود. فرماندهی [دو بخش دارد] بخش اولش این است که شما قبل از آنکه عملیات شروع شود، بتوانید فرماندهی کنید؛ یعنی قبل از آنکه دستوری در کار باشد بگویید چه کنید یا چه نکنید، باید همه موارد را از قبل برنامه‌ریزی کرده باشید و حین عملیات کمتر نیاز باشد که بگویید چه کارهایی بشود یا نشود. به همین دلیل نقش [بنده] در اکثر عملیات‌های دریایی برای هدایت حین عملیات [در مقایسه با عملیات‌های زمینی] به حداقل می‌رسید، زیرا همه تلاشمان [و برنامه‌ریزی‌هایمان] قبل از شروع عملیات بود. مثلاً وقتی می‌خواستیم در منطقه‌ای عملیاتی انجام دهیم، روی نقشه‌های دریایی خوب کار می‌کردیم. معبرها را پیدا می‌کردیم. آمار کشتی‌های در حال تردد را به دست می‌آوردیم. آب‌خورشان را بررسی می‌کردیم. یک عملیات مهندسی قبل از شروع عملیات انجام می‌دادیم.

در حال حاضر جنگیدن است و اگر خوب بجنگیم، خدا نتیجه را می‌دهد. "ان تنصر الله ینصرکم و ینتھب اعدائکم". **خداوردی:** بعد از خاتمه جنگ، شما آموزش خلبانی هم دیده‌اید. به نظر شما عملیات‌های هوایی در مقایسه با عملیات‌های دریایی چگونه‌اند؟

**سردار علایی:** هر دو این عملیات‌ها، یک وضعیت مشترک دارند.

**خداوردی:** برای شما کدام مهیج‌تر بود؟  
**سردار علایی:** حُب عملیات هوایی با عملیات دریایی تفاوت دارد. در هوا سرعت بالاست و کسی که پرواز می‌کند در مدت معینی، دوباره به زمین برمی‌گردد. پرواز هوایی در کوتاه‌مدت انجام می‌شود، خلبانی که برای مأموریت می‌رود عملیاتش از ابتدا تا انتها چهار یا پنج ساعت بیشتر طول نمی‌کشد، اما در دریا زمان [عملیات] طولانی است؛ لذا حسی که در دریا ایجاد می‌شود از نظر حس تنهایی و نگرانی نسبت به عملیات هوایی بیشتر است، مستمتر و پایدارتر است. در هوا احساس خطر بیشتر است. به دلیل اینکه اگر این پرنده (هواپیما) رها شود، تقریباً [برای کنترل آن] هیچ امیدی نیست [یا بسیار کم است]، ولی در دریا اگر جلیقه نجات داشته باشید و

کشتی‌های مختلف [با تناژهای مختلف] از مسیرهای معین می‌توانند حرکت کنند. هرچه کشتی بزرگ‌تر و آبخورش بیشتر باشد، مسیرش [برای تردد] محدودتر است. لذا کشتی‌های بزرگ وقتی نزدیک بنادر می‌شوند باید با اتکا به بویه‌های دریایی یا ملوانان آشنا به مسیر و در عمق مناسب حرکت خود را تنظیم کنند. به‌همین منظور ملوان بالای کشتی می‌رود و آن را هدایت می‌کند، زیرا اگر ناخدای کشتی دقت نکند، کشتی به گل می‌نشیند. بنابراین، زمانی که می‌خواستیم برای عملیات طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی کنیم به این امور با تمام جزئیات آن دقت می‌کردیم. شیوه مدیریتی بنده نیز به‌گونه‌ای بود که هنگام انجام‌دادن کاری از همه کسانی که در آن حوزه وارد بودند، می‌خواستیم نظر بدهند، بنابراین با این کار اطلاعات فراوانی دریافت می‌کردم و فکرها و فکرها بسیاری به کمکم می‌آمدند. مثلاً زمانی که می‌خواستیم عملیات مقابله‌به‌مثل انجام دهیم، هم با بچه‌های عملیاتی و هم با فرمانده آن منطقه همفکری می‌کردیم. آنها همه نظرهايشان را می‌دادند و به این ترتیب اطلاعات زیادی به دست می‌آمد و بعد طرح‌ریزی عملیات انجام می‌شد. اگر برنامه اجرای عملیات مقابله‌به‌مثل بود، منطقه عملیات و هدف آن را مشخص می‌کردیم. تصریح می‌کردیم که روی چه نوع کشتی و در کجا باید عملیات انجام شود و چگونه پس از اتمام کار باید نیروها برگردند. وقتی تیم عملیاتی می‌رفت، دیگر در زمان اجرا، نیازی به تماس، هماهنگی و هدایت با فرماندهی نداشتند که به آنها بگوییم به کدام طرف بروند، آنها کاملاً توجیه شده و کارآزموده بودند. بدین ترتیب، این چهار مؤلفه برای موفقیت در اجرای مأموریت‌های نیروی دریایی دنبال می‌شد.

بعد از جنگ که به فعالیت‌ها و اقدامات آن زمان فکر می‌کردم، به این نتیجه رسیدم که این چهار مؤلفه هرکجا با هم به کار گرفته شده موفقیت حاصل شده است. در جنگ زمینی هم همین‌طور است. تجربه نشان داده بود که این‌گونه عمل کنیم. حتی امروز و در

سپس قبل از ورود شناورهای هدف، شناور خودی را از ساحل رها می‌کردیم تا به منطقه هدف برود و عملیاتش را انجام دهد. همه کارهایی که باید انجام می‌شد را روی کاغذ می‌آوردیم و روی نقشه ترسیم می‌کردیم.  
**خداوردی:** این تأکید شما بود یا وظیفه و کار گروه‌های عملیاتی؟

**سردار علایی:** تأکید زیادی بود که این‌گونه انجام شود. مناطقی را که باید در آنها عملیات انجام می‌شد مشخص می‌کردیم. علتش این بود که در عملیات دریایی اگر

این دقت‌ها صورت نگیرد هیچ موفقیتی کسب نخواهد شد. به همین دلیل زمان زیادی درباره وضعیت دریا، وضعیت استقرار نیروها و آرایش شناورهای خودمان و کشتی‌های درحال تردد مطالعه می‌شد. اطلاعاتی که از وضعیت منطقه عملیاتی به دست می‌آمد می‌بایست اطلاعاتی بسیار دقیق، به‌موقع و مطمئن می‌بود تا براساس آنها برنامه‌ریزی می‌شد. بر همین اساس، تقریباً ۹۰٪ کار و انرژی فرماندهی، مرتبط با برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی بود و قبل از

رهاشدن یک قایق از ساحل به سمت هدف باید وقت زیادی صرف می‌شد. در اوایل تشکیل نیروی دریایی سپاه به اهمیت نقشه‌های دریایی خیلی پی نبرده بودیم و نمی‌دانستم علاوه‌بر هدایت کشتی‌ها کاربرد آنها چیست؟ حین کار، با انواع نقشه‌های دریایی آشنا شدم. این نقشه‌ها را به‌طور مرتب مطالعه و بررسی می‌کردم و آرام‌آرام از لحاظ علمی به وضعیت خلیج فارس مسلط شدم، طوری که وقتی نقشه را مقابلم می‌گذاشتم، دریا را در آن تجسم می‌کردم که زیر این دریا چه خبر است. شما باید این حس را داشته باشید، زیرا در دریا

اما بعد چهارم که برای موفقیت سازمان دریایی سپاه بسیار اهمیت داشت، برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی و فرماندهی بود.

آینده نیز این چهار مؤلفه را به عنوان یک مدل می توانیم ارائه کنیم. در واقع، امروز هم بررسی علل پیروزی و شکست‌ها در عملیات را می توانیم با این چهار مدل تطبیق و ارزیابی کنیم. متأسفانه در وضعیت کنونی، گاهی افراد تحلیل‌هایی می کنند که ایرادهایی به آن وارد است. مثلاً گاهی یک بعدی تحلیل می کنند و این باعث ابهام می شود. فرض کنید عده‌ای می گویند نیروی شهادت طلب عامل پیروزی است. بسیار خوب، ما گاهی این نیروها را داشتیم، ولی موفق نبودیم. البته پیروزی معنوی چیز دیگری است.

**خداوردی:** چون حتماً برنامه ریزی یا طراحی مناسب انجام نمی شد؟

**سردار علایی:** بله. آیا ما اینجا می توانیم بگوییم نیروی‌های داوطلب و رزمندگان شهادت طلب ایراد داشتند؟ نه، نمی توانیم این استدلال را بپذیریم. بعضی وقت‌ها تجهیزات و امکانات خوبی داشتیم، ولی در صحنه عملیات موفق نبودیم. باز ممکن است مشکل در طرح ریزی و فرماندهی [در هدایت عملیات] باشد. ما ماه‌های اول جنگ، افراد بسیار با انگیزه‌ای برای مقابله با ارتش عراق داشتیم. اتفاقاً تجهیزات خوبی هم داشتیم، چون هنوز سازمان ارتش - که از زمان شاه بود - وجود داشت و آن سازمان تجهیزات بسیاری داشت. باین حال در برخی عملیات‌ها موفق نبودیم. [در تحلیل‌ها] می بینیم که بعد فرماندهی به مفهوم فرایند فرماندهی و نه فرماندهی به مفهوم فرمان دادن و دستور دادن اشکال داشته است. یعنی از سازمان‌دهی گرفته تا برنامه ریزی، طرح ریزی، هدایت حین عملیات ایرادهایی داشته است. به دلیل آنکه ما در یک یا دو بعد آن دچار غفلت شدیم.

**خداوردی:** از زمان تصدی تان به فرماندهی نیروی دریایی به این چهار عامل توجه داشتید. نیروهایی که در ارکان ستاد نیروی دریایی حضور داشتند پایبند این اصول بودند؟

**سردار علایی:** بله. آنها هم به این اصول توجه می کردند. حالا که [به مرور ارزیابی می کنیم] می بینیم با یک مدل

خاص عملیات می کردیم و در این زمان هم برای تجزیه و تحلیل عملیات‌های گوناگون با این مدل می شود، درک و فهم [عمیق‌تر] به دست آورد و اتفاقاً حضرت امام [خمینی] هم به این مدل توجه داشتند؛ نه اینکه این مدل در ذهنشان باشد، بلکه به این مؤلفه‌ها توجه داشتند. مثلاً در سیال آخر و ماه‌های آخر جنگ وقتی ارتش عراق [مجدداً] به [جبهه‌های مختلف] ایران حمله کرد و مناطقی را به اشغال درآورد. امام قطعنامه ۵۹۸ را می پذیرند و جنگ را به این صورت خاتمه می دهند و جلو حملات [و تجاوزات

بیشتر عراق] گرفته می شود. در آن زمان نامه فرمانده کل سپاه از طرف آقای هاشمی رفسنجانی خدمت ایشان ارائه می شود. در آن نامه، فرمانده سپاه نوشته بود ما [برای مقابله با تهاجمات عراق] به این امکانات احتیاج داریم. اما اگر این امکانات هم تأمین نشود با دست خالی می جنگیم. امام در متن نامه‌ای که به پذیرش قطعنامه مربوط می شود، به این موضوع [مؤلفه] اشاره کرده، می گویند: "اینکه ما با دست خالی می جنگیم،

شعاری بیش نیست." در نتیجه مشخص است که امام به مؤلفه تجهیزات و امکانات و سایر عوامل موفقیت توجه کافی داشتند و الاً امام که بیشتر از همه حامی جنگیدن نیروهای داوطلب و بانگیزه شهادت طلب بودند، آن را کافی نمی دانستند.

به خاطر دارم در سال ۱۳۶۲، جلسه‌ای در شورای عالی سپاه با حضور [فرمانده سپاه] آقای محسن رضایی، شهید حجت‌الاسلام محلاتی، آقای رفیق دوست و سایر فرماندهان و مسئولان تشکیل و درباره دریا بحث شد. من در آنجا همین بحث را مطرح کردم و گفتم در

علایی برنامه ریزی عملیات‌های زمینی در قرارگاه نوح که در مسعودیه نزدیک رودخانه کارون بود انجام می شد، ولی برای طرح ریزی عملیات‌های دریایی به طور جداگانه به هر منطقه در خلیج فارس می رفتم.



حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح در حال مکالمه با بی سیم در منطقه عملیاتی فاو.

**خداوردی:** قبل از طرح‌ریزی برای عملیات‌های دریایی، با فرمانده کل سپاه هماهنگ می‌کردید یا خودتان به اقتضای وضعیت طراحی و اجرا می‌کردید؟  
**سردار علایی:** بجز عملیات کربلا ۳، که آقا محسن [رضایی] به‌طور ریز وارد ماجرا شدند؛ زیرا [عملیات] در نزدیکی منطقه فاو بود. بقیه طرح‌ریزی‌ها و عملیات‌هایی که در دریا انجام می‌شد، فقط ایشان مطلع می‌شدند. همه آنها با برنامه‌ریزی و هماهنگی کلی با ایشان بود.  
**خداوردی:** همه این طراحی و برنامه‌ریزی‌ها در قرارگاه مسعودیه انجام می‌شد یا سفر دوره‌ای به مناطق ۱، ۲، ۳ داشتید؟

**سردار علایی:** نه، برنامه‌ریزی عملیات‌های زمینی در قرارگاه نوح که در مسعودیه نزدیک رودخانه کارون بود انجام می‌شد، ولی برای طرح‌ریزی عملیات‌های دریایی به‌طور جداگانه به هر منطقه در خلیج فارس می‌رفتم. مثلاً عملیات‌هایی که در بوشهر باید صورت می‌گرفت، برای برنامه‌ریزی به بوشهر می‌رفتم. گاهی به جزیره خارک و گاهی به جزیره فارسی می‌رفتم و با کمک مسئولان طرح و عملیات و اطلاعات عملیات برنامه‌ریزی می‌کردیم. در بندرعباس هم به جزایر تنب

دریا شناوری را می‌خواهیم که بتوانیم با آن خودمان را به دشمن نزدیک کنیم. بدون شناور اگر شما هرچه نیروی داوطلب داشته باشید نمی‌توانند با شناکردن بروند. همچنین ما سلاحی می‌خواهیم که اگر رزمنده‌ای [از روی قایق آن را به سمت هدف] پرتاب کرد، اثر داشته باشد؛ یعنی سلاح مناسب می‌خواهیم. در دریا دوربین‌هایی که رزمنده با آن در جبهه زمینی، دشمن را ببیند، فرق دارد. در اینجا به‌جای دوربین چشمی رادار می‌خواهیم. دید ما و دوربین ما از طریق رادار دریایی است. این بحث را در آن جلسه مطرح کردم بدون آنکه به این مدل توجه کافی داشته باشیم. در جلساتی که در دوره‌های مختلف داشتیم، افراد بسیاری بودند - مثلاً قبل از اینکه نیروی دریایی تشکیل شود، آقای یاحی، آقای تیموری، آقای علیزاده و آقای زردوز بودند - که روی امور مربوط به دریا کار می‌کردند و با آنها دائم همفکری می‌کردیم و در مناطق ۱، ۲ و ۳ با افرادی مثل آقای ملاح‌زاده، آقای محمدی، آقای کارگر (مربوط به منطقه بوشهر)، در منطقه ماهشهر آقای حبیب آغاجاری و آقای تنگسیری، در بندرعباس آقای هاشم ستوده و آقای عظمایی بودند.

بزرگ و تنب کوچک یا جزیره ابوموسی می‌رفتیم و درباره طرح عملیات فکر می‌کردیم. **خداوردی:** آیا فرماندهان خود مناطق، عملیاتی را بدون هماهنگی شما انجام می‌دادند؟ **سردار علایی:** نه. هیچ‌کدام بدون هماهنگی نبود. فقط اوایل یکی دو برنامه اتفاق افتاد. مثلاً در سیاست کلی نظام به ما گفته بودند مقابله به مثل کنید. من هم به فرماندهان مناطق گفتم اگر عراق به کشتی‌های ایران حمله کرد شما هم اگر کشتی‌ای با این مشخصات در فلان منطقه دیدید، می‌توانید با آنها درگیر شوید.

**سیاست دفاعی ایران در خلیج فارس در مقابل تهدیدهای امریکا**

**خداوردی:** بعد از عملیات والفجر ۸، اتفاق مهمی که روی داد حمله امریکایی‌ها به لیبی بود، که به نظر می‌آمد از این طریق می‌خواستند به ایران هشدار دهند که اگر ایران تن به برخی خواسته‌های عراقی‌ها یا غربی‌ها ندهد، احتمال حمله به ایران هم هست. آیا نیروی دریایی سپاه در برابر این تهدیدها می‌اندیشید؟ **سردار علایی:** آن زمان ما تصویری درباره این موضوع که امریکا بخواهد به ایران حمله کند، نداشتیم. بیشتر تصور [و نظر من و همکارانم] این بود که امریکا ممکن است در خلیج فارس به نفع عراق وارد عمل شود، که همین اتفاق هم افتاد. ولی اینکه فکر کنیم امریکایی‌ها به تهران یا مراکز سیاسی و اقتصادی ایران حمله کنند را بعید می‌دانستیم. تنها چیزی که از اول بسیار مشهود و پیش‌بینی‌شدنی بود، اقدام امریکایی در حمایت از عراق در داخل خلیج فارس بود. بنابراین، از ابتدا، به این موضوع فکر می‌کردیم که اگر امریکا به سکوه‌های نفتی یا کشتی‌های ایرانی حمله کرد، برنامه نیروی دریایی سپاه در واکنش به امریکایی‌ها چه باشد که بیشتر جنبه بازدارندگی داشته باشد، زیرا سیاست کلی ما اجتناب از درگیری با امریکا بود. از این رو باید فکر می‌کردیم چگونه عمل کنیم که امریکایی‌ها با ما درگیر نشوند.

کشتی عربستانی را هدف قرار داده باشد؟ **سردار علایی:** درباره این موضوعات در زمان خودش بحث خواهیم کرد. خُب آنها می‌توانستند با نیروی دریایی ما مقابله کنند نه اینکه بیایند و جای دیگری عمل کنند. **خداوردی:** پس شما هیچ برداشت و ارزیابی‌ای از شیوه جنگ همه‌جانبه امریکایی‌ها نداشتید و بیشتر تمرکزتان در مقابله با امریکایی‌ها محدود به منطقه خلیج فارس بود؟ **سردار علایی:** نه. گمان می‌کردیم اگر امریکایی‌ها بخواهند درگیر شوند [صرفاً] با نیروی دریایی ما درگیر خواهند شد و سپس به حوزه منابع اقتصادی و نفت حمله می‌کنند. البته آنها به سکوه‌های نفتی حمله کردند و در ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۷ هم هواپیمای مسافبری را بر فراز تنگه هرمز هدف قرار دادند. لذا عملیات علیه

\* شبیه کاری که الآن گروه‌های القاعده و طالبان انجام می‌دهند؛ وارد جمع عزاداران امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌شوند [و با عملیات انتحاری] افراد را می‌کشند. (آقای علایی)

آخرین روز جنگ هم این کار ادامه داشت. بنابراین، ایران به‌طور مرتب، برای تأمین امنیت جزیره خارک طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی می‌کرد. عراقی‌ها گاهی حمله به خارک را تشدید می‌کردند و گاهی آن را کاهش می‌دادند که درباره این موضوع باید به‌صورت جداگانه بحث کرد. اما عملیات کربلای ۳، یک برنامه‌ریزی عملیاتی با هدف نظامی در یک مقطع خاص برای پایان‌دادن به حضور دریایی عراق در شمال خلیج فارس بود. درحالی‌که موضوع حمله به جزیره خارک یک فرایند طولانی و پیوسته است که وقتی منحنی آن را رسم می‌کنیم، شدت و ضعف زیادی در تهاجمات نیروی هوایی عراق به آن دیده می‌شود.

**خداوردی:** موضوع عملیات مقابله‌به‌مثل علیه کشتی‌های تجاری و نفتی که برای عراق کالا یا نفت حمل می‌کردند، آن‌هم یک موضوع مستقل است؟  
**سردار علایی:** بله. مقابله با اقدامات عراق در ناامن‌سازی خلیج فارس از مهم‌ترین اهداف ما بود که در دستور کار نیروی دریایی سپاه قرار گرفت.

**هوشمندی امام برای تشکیل نیروی دریایی سپاه خداوردی:** در پایان جمع‌بندی خود را از این جلسه بفرمایید؟

**سردار علایی:** تشکیل نیروی دریایی سپاه، صرف‌نظر از نیروهای زمینی و هوایی سپاه، ضرورت بسیار مهمی بود که سپاه انتظار آن را نداشت، ولی امام [خمينی] تصمیم گرفتند و آن را عملی ساختند که اقدام بسیار به‌موقع و درستی بود که برای کشور انجام شد؛ تجربه جدیدی که در سازماندهی نیروی دریایی ایران در طول تاریخ به عرصه ظهور رسید و خوشبختانه این اقدام امام نتایج بسیار مثبتی در طول دوران جنگ داشت و توانست ظرفیت ایران را در حوزه دریایی بسیار افزایش دهد و صلابتی را برای جمهوری اسلامی ایران به بار بیاورد که بسیار ارزشمند بود. این نخستین بار در تاریخ اخیر ایران بود که یک نیروی دریایی کارآمد بدون مستشاری خارجی در کشور ایجاد شد.

مردم در قالب حمله به هواپیمای مسافربری اصلاً در تصور ما نبود. فکر نمی‌کردیم حمله به هواپیما - که اقدام بسیار ضدبشری و غیرعقلانی و غیر منطقی است - را انجام دهند. آنچه بنده فکر می‌کردم این بود که امریکایی‌ها حتماً به پشتیبانی عراق خواهند آمد و دو کار انجام خواهند داد: اول، می‌گویند ایران نباید فعالیت و اقدامی علیه عراق و کشتی‌های کشورهای حامی عراق انجام دهد. دوم، می‌گویند باید امنیت جریان نفت در خلیج فارس برقرار باشد و چون عراقی‌ها بجز نفت ما به نفت دیگران کاری نداشتند، می‌گفتند شما باهم در جنگ هستید و عراقی‌ها مجازند منابع نفتی شما را بزنند، ولی ایران نباید مقابله‌به‌مثل کند. این حرف یعنی ناامنی برای نفت و صادرات نفت ایران. پس حالا [درمقابل این دیدگاه و نگرش] باید فکر می‌کردیم. ازسویی بعد از عملیات والفجر ۸، درست زمانی که امریکایی‌ها به لیبی حمله کردند، ما به‌نوعی با امریکایی‌ها در حال مذاکره بودیم [ماجرای مذاکره با مک فارلین]. البته بنده در جریان مذاکرات نبودم. بعداً متوجه شدم، ولی چون آن زمان [سیاستمداران ما] در حال مذاکره بودند این حس در رده‌های بالاتر درباره درگیر شدن امریکا با ایران، به ما منتقل نمی‌شد. به‌همین دلیل، بعد از عملیات والفجر ۸ این نگرانی وجود نداشت. همیشه در برنامه‌ریزی‌هایمان احتمال درگیر شدن امریکا با نیروی دریایی سپاه را در دستور کارمان مدنظر داشتیم. گرچه امریکایی‌ها شیوه دیگری را در پیش گرفتند که بسیار اقدام خطرناکی بود.

**خداوردی:** بعد از عملیات والفجر ۸ اتفاق دیگری که افتاد، تشدید حملات هوایی عراق به تأسیسات نفتی جزیره خارک بود، هم‌زمان شما طرحی را برای اجرای عملیات کربلای ۳، برنامه‌ریزی کردید. تقدم و تأخر این عملیات‌ها را چگونه برنامه‌ریزی کردید؟

**سردار علایی:** فکر می‌کنم درباره [موضوع حوادث جزیره] خارک باید جداگانه به‌عنوان یک روند و فرایند بحث کنیم. چون حملات هوایی به جزیره خارک برنامه‌های بود که از ابتدای جنگ ارتش عراق آن را شروع کرد و تا